

ضرورت‌ها و چالش‌های تغییر پایتخت در ایران

(قسمت دوم)

دکتر غلامرضا لطیفی

عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه علامه طباطبائی

علیرضا سامانی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
دانشگاه علامه طباطبائی

محورهای انتقال پایتخت

محورهای اصلی موضوع انتقال پایتخت عبارت است از:

- (۱) پایتخت ایران که در تهران قرار گرفته عملاً مرکز تمام فعالیتها در کشور شده و همچنان برای جذب جمعیت جذابیت دارد. این در حالی است که تهران را می‌توان به عنوان محور بعضی از فعالیتها در آینده - نظیر آموزش عالی، فناوری پیشرفته و نوین در آینده توسعه داد، ولی باید به تدریج تهران را از مرکزیت عام برای تمام امور کشور خارج کرد. به این منظور می‌توان تمرکز رشد سایر مسائل را به خارج از تهران - در شهرهای گوناگون، یا به یک نقطه جدید - منتقل نمود.
 - (۲) پایتخت ایران با مشکلات گوناگون - از تردد، حمل و نقل و نحوه دسترسی گرفته تا آلودگی هوا - دست به گریبان است. این مسائل را باید با به کار گرفتن مدیران کارآمد و صرف امکانات گوناگون - نیروی انسانی و تجهیزات و بودجه - حل نمود و یا حداقل تا حدی التیام داد.
 - (۳) وضع جغرافیائی ایران به نحوی است که مناطق مختلف آن اقلیم‌های گوناگونی دارند. داشتن کلان شهری مانند تهران که عملاً مرکز سیاسی، آموزشی، صنعتی، بهداشتی و درمان و تجاری کل کشور باشد، نیاز به جابه‌جا شدن گروه‌های وسیعی از مردم کشور را برای رفت و آمد به تهران - یا استقرار در آن را - به دلیل توسعه فعالیتهایشان الزامی می‌کند. به این ترتیب بهتر است چند کلان شهر، به جای یک کلان شهر عمده، داشته باشیم.
 - (۴) وضع تهران از نظر فرارگیری بیشتر بخشهای اخیراً توسعه یافته آن در پهنه‌های خطرناک از نظر بلایای طبیعی - زلزله و حریم گسلهای فعال، دامنه‌های جنبان و احتمال زمین لغزش، ناپایداری و فرونشست زمین، خطر سیل و سابقه آن در تهران، مسأله آب، سطحی و زیرزمینی و خشکسالی در بازه‌های چند ساله یا چند دهه ساله - ریسک زندگی را در تهران به تدریج بیشتر کرده است. روند مهاجرت به تهران همچنان مطابق آخرین آمارهای مرکز آمار ایران ادامه یافته است. نتیجه بخشی از این موضوع، رشد حاشیه‌نشینی، توسعه نامنی - به ویژه در حاشیه‌های شهری و شهرهای جدید، بزه کاری و رشد بیکاری و سایر ناهنجاری‌ها در تهران بزرگ است. چند فرهنگی در تهران عملاً به جای رشد فرهنگی شهر تهران، به ناهنجاری‌های فرهنگی تبدیل می‌شود.
 - (۵) رشد تهران با وضع کنونی، عملاً با تخریب فضاها و بافت با هویت خانه - باغهای گذشته همراه است. پایتختی که نه هویت امروزی و مدرن داشته باشد و نه هویت دیروزین و گذشته مستند، دیگر عملاً پایتخت کشوری با سابقه تمدنی و فرهنگی همچون ایران نمی‌تواند باشد.
 - (۶) آلودگی هوا در تهران به نحوی است که به ویژه در فصل سرما با تلفات ناپیدای همشهریان خردسال و کهنسال ما و آنها که مشکلات تنفسی دارند، همراه است. این تلفات را ناپیدا نامیدم چراکه بسیاری از کسانی که به این دلیل عمرشان کوتاه می‌شود، عملاً نه خود و نه دیگران آنها را در رده تلفات ناشی از آلودگی هوا به حساب نمی‌آورند.
- در مقابل این چالش‌ها و دلایل مهم دیگری که برای لزوم توقف رشد تهران، تلاش همزمان برای قابل زیست کردن آن و انتقال تدریجی بخشی از فعالیتها به بیرون از محدوده استان تهران، و همچنین لزوم یافتن چند گزینه برای پایتخت کاملاً جدید - نه شهری موجود که در نهایت به سرنوشتی مانند تهران دچار شود - وجود دارد، اشکالات گوناگونی از سوی منتقدان این انتقال مطرح می‌شود که عمده آنها عبارتند از:
- (۱) بسیاری از مشکلات تهران جاری و فوری است. فرصتی برای صرف انرژی بر روی گزینه‌های دیگر وجود ندارد. هر میزان توان را باید به بهبود همین شرایط موجود در تهران اختصاص داد.
- پاسخ: این جمع‌بندی پس از پایان جنگ تحمیلی در مورد شهر تهران انجام شد و حاصل آن البته ایجاد و توسعه زیرساختهای شهری و مدرن و همزمان رشد و توسعه بی‌رویه شهری، فروش تراکم و مدیریت بر مبنای نامتوازن شهری شد. ضمناً برآورد نیاز فوری و روزمره همواره با چالش پول و توسعه فراموشی برنامه‌ریزی کلان مواجه است.

۲) مسأله مسکن و نیاز نسل جدید به آن؛ لازم است تا در همین تهران کنونی به توسعه و ایجاد مسکن و توسعه شهرهای جدید پرداخت. در غیر این صورت با بحرانهای گوناگون اجتماعی و فرهنگی مواجه خواهیم شد. پاسخ: رشد و توسعه جمعیت نامتوازن بوده است. حتی با همین سرعت اگر رشد جمعیت صورت گیرد نمی توان به تمام نیازهای جمعیت جوانی پاسخ داد که همواره بخشی از آنها در حال مهاجرت به تهران برای یافتن کار خواهند بود.

توسعه سریع ساخت و ساز در سالهای اخیر با عدم دقت در آن همراه بوده است و به عقیده بسیاری از مهندسان ساختمان، بسیاری از مجتمع‌ها و آپارتمان‌های ساخته شده جدید را از هم اکنون باید نظیر ساختمانهای فرسوده، نامقاوم و نیازمند بهسازی در نظر گرفت. ضمناً ایجاد شهرهای جدید صرفاً با لحاظ کردن نزدیک بودن به تهران و نحوه و سرعت دسترسی همراه بوده است. این نوع توسعه شهری عملاً به مشکلات جمعیتی و اجتماعی تهران افزوده و در آینده این مشکلات بیشتر نیز خواهد شد.

۳) در تهران کنونی زیرساختهایی نظیر مترو و بسیار کند رشد یافته و سرعت ایجاد آنها باید بیشتر شود.

پاسخ: این موضوع درست است ولی باید در نظر داشت که علاوه بر سرعت عمل، نیازمند مطالعه کافی هم هستیم. وقتی سرعت ایجاد مترو به نحوی باشد که کمترین بررسی‌های لازم از دیدگاه زلزله‌شناسی مهندسی، تونل سازی و مکانیک سنگ و مسائل گوناگون شهرسازی کمتر مورد توجه واقع شود، ایجاد مشکلات بزرگ در آینده را باید انتظار کشید. مشکلاتی که امروزه گره‌ای است که با دست باز می‌شود و نباید با دندان باز کرد، ولی بیم آن می‌رود که فردا حتی با دندان هم باز نشود. ضمناً هر نوع توسعه نامتوازن و عدم توجه همزمان به مراکز مهم جمعیتی جدید به جذابیت بیشتر - ظاهری - تهران می‌انجامد.

۴) برای ساکنان کنونی تهران نیاز به ترمیم و بازسازی بافتهای فرسوده در محلات قدیمی نیازی فوری است و انتقال پایتخت فقط به انتقال مدیران از تهران می‌انجامد.

پاسخ: نیاز به ترمیم و نوسازی بافتهای فرسوده جدی است. منظور از انتقال پایتخت نیز رها کردن مردم و ساکنان دائمی کنونی و آینده تهران نیست. باید رشد جمعیت و توسعه تهران متوقف شود تا بتوان به ایجاد مکان زندگی ایمن و متوازن برای ساکنان تهران پرداخت. انتقال بخش تصمیم‌گیر به مناطق دیگر ضرورتی است که نمی‌توان به ایجاد فضای احساسی از آن چشم‌پوشی نمود.

۵) طرح انتقال پایتخت بسیار پرهزینه و درازمدت است و انجام آن در بازه‌های زمانی کوتاه ممکن نیست و درازمدت نیز چیزی از مشکلات کنونی تهران کم نمی‌کند.

پاسخ: این موضوع صحیحی است ولی تاکی باید در ایران به آینده‌های نزدیک و ساختن آن دلخوش باشیم؟ قرار نیست که در فردای این کشور، نسلهای بعدی نیز زیست کنند؟ ضمناً هزینه انجام چنین برنامه‌ای در کشورهای به مراتب با مشکلات بیشتر از ما، نظیر سری‌لانکا، و قزاقستان و

همچنین کشورهای سابقاً هم‌رده ما که امروزه وضع اقتصادی بهتری دارند - مثل جمهوری کره و مالزی - که همگی هم در قاره آسیا قرار دارند انجام شده است. ضمناً کشور قزاقستان برای انتقال پایتخت به مسأله احتمال یک زلزله بزرگ به عنوان یک مورد خاص و ویژه برای تصمیم‌گیری نهایی توجه نموده است.

۶) تمام پهنه‌های ایران لرزه‌خیز است و ضمناً هر جا که پایتخت برود، و یا در هر مکان جدید که ساخته شود، این مشکلات کنونی تهران در همانجا بروز خواهد کرد.

پاسخ: اولاً این سخنی کاملاً اشتباه است که سهواً از زبان بعضی از کارشناسان برای نشان دادن اهمیت مسأله زلزله‌خیزی فلات ایران بیان شده است. تمام پهنه‌های ایران به یک میزان در معرض خطر زلزله نیست. ثانیاً سوء مدیریت بیش از هر عامل طبیعی و انسانی می‌تواند به ادامه مشکلات بینجامد. ۷) شهرهای کنونی پتانسیل پایتختی ندارند، یا حداقل مشکلاتی نظیر تهران دارند یا پیدا خواهند کرد.

پاسخ: درست است، ولی هر نوع تغییر پایتخت به معنی انتخاب شهری موجود در حال حاضر به عنوان پایتخت جدید به استمرار مشکلات شهری در آن نقطه می‌انجامد. پایتخت جدید باید کاملاً براساس معیارهای نوین در نقطه‌ای جدید - که هم اکنون مسکونی نیست، یا به عنوان شهر مهم شناخته نمی‌شود، تعیین محل شود. (اشرفیان، ۱۳۸۲)

مشکلات شهر تهران

بهترین پایتخت‌های جهان باید دارای ویژگیهای زیر باشند که متأسفانه تهران اغلب آن‌ها را دارا نیست:

۱- نزدیک بودن به مرکز کشور

شهر تهران عمدتاً به شمال کشور نزدیک است. در مقابل نزدیک بودن شهر به پهنه شمالی کشور، در طی زمان لازم بوده تا پایتختهای جایگزین در سوی جنوب به شرق و غرب کشور به عنوان مرکزیت‌های رده دوم هم در جهت تسهیل امور مردم بکوشند و هم از بار تهران بکاهند. واقعیت آن است که در وضع کنونی، کلان شهرهای دیگر (شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز و...) در موقعیتی نیستند تا نقش پایتخت‌های رده دوم را برای کشور بازی کنند و عملاً در وضعی مشابه با شهر تهران - از نظر مشکلات - قرار دارند. از سوی دیگر مشکلاتشان نیز در جهت کاستن از بار پایتخت کشور، بلکه در جهت افزایش مسائل تهران است.

بنابراین هیچ یک از کلان شهرهای دیگر پتانسیل جایگزینی به جای تهران را ندارند، و در صورت انتخاب هر کدام به عنوان پایتخت بلافاصله مسائل مشابه مسائل تهران در همان شهرها تکرار خواهد شد. همچنین هیچیک در موقعیت پایتخت جایگزین نمی‌توانند مسائل شهر تهران (در موقعیت یک بحران احتمالی) بر دوش کشند.

۲- چشم‌انداز طبیعی مناسب

شهر تهران در موقعیت شمالی دشت کویر مرکزی و در منطقه‌ای گرم و

خشک قرار گرفته است. برای فراهم کردن چشم انداز طبیعی زیبا، سالانه مبالغ هنگفتی از بودجه کشور باید صرف فراهم آوردن فضای سبز به صورت مصنوعی برای قسمتهای مختلف بزرگراه‌ها و میدانهای شهر شود. با این حال می‌بینیم که علی‌رغم وجود منطقه‌ای با چشم‌انداز طبیعی زیبا در شمال شهر (شمیران) عملاً با تبدیل باغات و فضای سبز طبیعی به مجتمع‌های مسکونی، آپارتمان و برج، عملاً همین منظر طبیعی نیز از شهر تهران به تدریج دریغ می‌شود.

۳- زیرساخت مناسب و امکان زیستن با استانداردهای امروزی

استاندارد برای زیست مناسب نیاز به وجود آمدن زیرساختهای مناسب نظیر مترو، فرودگاه، فضاهای تفریحی، شبکه حمل و نقل سطحی و... دارد. وضع بافت کنونی شهر تهران فراهم کردن چنین امکانی را عملاً بسیار مشکل می‌سازد. هر نوع تغییر در بافت شهر کنونی تهران به منظور استانداردسازی زیرساختها به نحوی که به پایتختی امروزی تبدیل شود عملاً بسیار پرهزینه است و در صورت موفقیت نیز با افزایش جاذبه شهری به مشکلات شهر کنونی تهران خواهد افزود.

۴- قرارگیری در پهنه‌های کمتر خطرناک از نظر بلایای طبیعی

شهر تهران در پای دامنه‌های رشته کوههای البرز و در شمال ایران مرکزی، در موقعیتی پرخطر از نظر لرزه خیزی قرار دارد. خطر رخداد یک زلزله بزرگ و ایجاد فاجعه برای کل کشور، سیل و بحرانهای ناشی از آن، زمین لغزش در دامنه‌های شمالی شهر تهران و فرونشست زمین در بخشهای جنوبی آن در بخشهای مختلف شهر وجود دارد. لازم است تا پایتختی برای کشور ساخته شود که از نظر تمامی جنبه‌های خطرهای طبیعی به نسبت کم خطر بوده و میزان ریسک و آسیب‌پذیری آن از نظر موقعیت طبیعی، و وجود زیر ساخت‌های مقاوم، پایین باشد.

۵- اهمیت محیط زیست و رعایت استانداردهای توسعه پایدار

در شهر کنونی تهران ضمن عدم رعایت استانداردهای اولیه زیست محیطی نظیر فضای سبز و پاک‌ی هوا (که در هر دو با توسعه شهر عملاً در جهت کاهش شاخصهای پیش رفته‌ایم)، با ساخت و ساز بیشتر، ضمن رشد اقتصادی متمرکز در پایتخت، توسعه‌ای به شدت ناپایدار رخ داده است. هنگامی که در شمال شهر تهران در محدوده منابع طبیعی حاشیه (سابق) شهر تهران، در سوهانک، دارآباد، نیاوران، دربند، فرحزاد و کن آپارتمان، مجتمع و شهرک ایجاد شده، ضمن اینکه به حریم منابع طبیعی جنوب البرز تجاوز شده است، می‌تواند بارزترین جنبه‌های ناپایداری توسعه را مشاهده نمود. (چنین مسائلی امروزه در شمال و لنجک و در نزدیکی تله کابین توچال، شمال سعادت آباد، سوهانک، مینی سیتی، شمال دربند، محله امامزاده قاسم، شمال نیاوران، شهرک نفت در شمال پونک و فرحزاد و شهرک جدید ایجاد شده در ناحیه شمال روستای سابق کن در شمال تهران دیده می‌شود. همین مسائل در شهرکهای باغ‌میشه و فازهای مختلف بانک

صادرات، کوی ارم، منطقه شمال فرودگاه و کل محدوده بزرگراه کمربندی شمال شهر تبریز به طریق مشابهی وجود دارد). در چنین شرایطی لازم است تا در شهری جدید که باید در یک مکان جدید ساخته شود برای آینده چشم‌اندازی مثبت و روشن از دید توسعه پایدار بتوان برنامه‌ریزی نمود.

۶- مسأله آلودگی هوا

مسأله‌ای که هر ساله در فصل سرما تهران را با بحران مواجه می‌کند، آلودگی هواست. البته در زمانهای دیگر در طول سال نیز آلودگی هوا موجب کاهش سطح سلامت و گسترش انواع بیماریهای تنفسی و ریوی در میان شهر تهران می‌شود. بخشی از این موضوع به موقعیت فیزیوگرافیک شهر تهران مربوط است، به نحوی که امکان مناسب برای تهویه هوای شهر به دلیل محاصره بودن آن از سه سو با کوههای بلند است. در پایتخت جدید به این مسأله از نظر وضع توپوگرافی و همچنین از دیدگاه ساماندهی منابع آلوده‌کننده هوا لازم است توجه شود.

۷- جاذبه‌های شهری و گردشگری

شهر کنونی تهران از نظر جاذبه‌های معماری و چشم‌اندازهای شهری بسیار فقیر می‌نماید. این در حالی است که پایتخت شایسته برای کشور ما باید دارای بافت زیبا و با جاذبه گردشگری برای ساکنانش و مسافران باشد. این موضوع را باید در مکان پایتخت جدید ساماندهی نمود.

۸- ایمنی زیرساخت اصلی حکومتی

قرارگیری بیشتر زیرساختهای اصلی حکومت در مکان کنونی شهر تهران آسیب‌پذیری کلی کشور را در شرایط یک بحران (مثلاً یک زلزله بزرگ) بسیار زیاد می‌کند. لازم است تا در پایتخت جدید زیرساختهای حکومتی، نظیر ساختمان دولت و مجلس و قوه قضائیه با استانداردهای امروزی ایجاد شود و یا حداقل بخشهای مهمی از آنها به آن پایتخت منتقل شود.

۹- شاخصهای توسعه انسانی

هر ساله شاخصهای توسعه انسانی در کشورهای مختلف جهان توسط سازمان ملل متحد سنجیده می‌شوند و معمولاً کشور ما در میانه‌های جدول رده‌بندی کشورها قرار می‌گیرد. لازم است تا با استانداردهای معیارهای توسعه در مکانی که به عنوان پایتخت جدید انتخاب می‌شود به رشد شاخصهای توسعه انسانی در کشور کمک کنیم. البته بخشی از مسأله رده پایین کشور در چنین جدولی را به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب می‌دانند و نایسامانی در گردآوری داده‌ها به عنوان یکی از دلایل مهم چنین مسأله‌ای از سوی بعضی از متخصصان اعلام شده است. به هر حال با ایجاد پایتختی جدید می‌توان چنین ساماندهی را برای کل کشور به نحوه مناسب‌تری مدیریت نمود.

۱۰- وجه جهانی نظام

وضع کنونی شهر تهران به عنوان پایتخت شایسته نظام جمهوری

اسلامی نیست. و جبهه جهانی نظام حکم می‌کند تا با ایجاد یک پایتخت ایمن و مدرن و براساس شاخصه‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی در سده بیست و یکم، نهادی از پیشرفت نظام در عرصه شهر ساز نوین در دنیای کنونی معرفی نمود.

۱۱- شهر نماد تمدن ایرانی - اسلامی

در ۲۰۰ سال اخیر که شهر تهران به عنوان پایتخت ایران بوده است، شاخصه‌های شهری نماد تمدن گذشته فرهنگی کشور را یا از ابتدا نداشته و یا در طی زمان و به تدریج نمادهای شاخص فرهنگی تمدنی - ایجاد شده - در آن از میان رفته است. لازم است تا در پایتخت جدید به چنین شاخصی توجه گردد و شهری که نماد تمدن پرافتخار ایرانی اسلامی باشد و ضمناً آینده‌ای روشن را برای برپایی تمدن شکوفا در کل کشور راهبری کند بنا گردد.

۱۲- بافت سامان یافته و یک دست شهری

کلانشهر کنونی تهران مکانهای گوناگون زیستی را به صورت محلات فقیرنشین و ثروتمند با توزیع نامتوازن فضای زیست شهری شامل می‌شود. در چنین وضعی، توزیع امکانات هم در جاهای گوناگون این کلان شهر - که در واقع یک مجموعه شهری متشکل از چندین محدوده شهری با هویت‌های مختلف است - نامتوازن است، و این موضوع نیز زمینه پایتخت کشور ما نیست. در یک پایتخت جدید می‌توان با عنایت به هویت ملی و دینی مردم کشور ما، نسبت به شکل‌گیری یک شهر مدرن با یکدستی و توزیع برابر امکانات اقدام نمود.

۱۳- مسأله سامان‌دهی کلان شهر کنونی تهران

آنچه که باقی می‌ماند این است که آیا با تغییر پایتخت، قصد داریم تا شهر تهران کنونی و مردم آن را فراموش کنیم و فقط امکانات کشور را صرف ساخت پایتختی جدید کنیم که در آن شهروندان ایمن باشند و راحت‌تر زندگی کنند؟ (معمولاً این انتقاد مهمی است که در مقابل نظریه انتقال پایتخت به شهری دیگر مطرح می‌شود). پاسخ این است که اولین کاری که برای ساماندهی شهر کنونی تهران باید بکنیم آن است که رشد محدوده شهری و رشد جمعیت در تهران را باید به صفر برسانیم. فقط در چنین شرایطی است که از افزودن بر معضلات تهران می‌توان جلوگیری کرد و با طی کردن برنامه‌های مناسب به ساماندهی محدوده شهری تهران پرداخت.

۱۴- لزوم اجتناب از انتقال پایتخت به یک کلان شهر موجود

یکی از بحث‌های موجود در مورد تغییر و انتقال پایتخت آن بوده است که اگر پایتخت به هر یک از کلانشهرهای موجود (مثلاً اصفهان، یزد یا شیراز در مرکز یا جنوب ایران) منتقل شود، مسائل تهران به تدریج به آن نواحی منتقل می‌شود و عملاً به جای حل مشکل، با صرف هزینه، فقط آن را جابه‌جا کرده‌ایم. واقعیت آن است که این نظر درست است ولی پاسخ آن است که در

صورتی که این انتقال پایتخت به مکانی جدید - در واقع ایجاد یک پایتخت کاملاً جدید - برنامه‌ریزی شود، دیگر مشکلی برای سایر شهرهای بزرگ کشور ایجاد نخواهد شد.

۱۵- تجربه سایر کشورها

در کشورهای مختلف دنیا تجربه انتقال پایتخت به دلایل گوناگون (از جمله خطر بالای زمین‌لرزه) عملیاتی شده و نتایج خوبی نیز به دست آمده است. در ابتدای سده بیستم و در هنگام تشکیل کشور جمهوری ترکیه، پایتخت از استانبول به آنکارا منتقل شد. امروزه می‌توان گفت که آنکارا علاوه بر مدرن‌تر بودن - از استانبول - در معرض خطر پائین‌تری از دیدگاه رخداد یک زلزله مخرب نسبت به استانبول است و البته آسیب‌پذیری آن نیز بسیار کمتر است.

در مقابل، استانبول - مثل تهران - ریسک بسیار بالایی از نظر یک زمین لرزه مخرب احتمالی دارد. در سوی دیگر در همسایگی ما، در کشور جمهوری اسلامی پاکستان در اوایل دهه شصت میلادی پایتخت از کراچی به منطقه‌ای سرسبز و زیبا در حدود ۴۰ کیلومتری شهر راولپندی آن روزگار منتقل شد که نام اسلام‌آباد را روی آن گذاشتند. شهر اسلام‌آباد البته با پهنه‌های پرخطر از دیدگاه خطر گسلش زمین لرزه فاصله کمی دارد، ولی مدرن‌ترین شهر پاکستان است و استاندارد زندگی شهری در آن از هر نقطه دیگری در این کشور بالاتر است.

این تجربه در کشور کازاخستان (که معمولاً در ایران با نام قزاقستان از آن یاد می‌شود) دقیقاً به دلیل خطر زلزله در حدود ده سال قبل رخ داد و در کشورهای دیگری مثل استرالیا نیز تجربه شده است. ضمناً در کشوری مثل سری‌لانکا نیز شخصاً شاهد آن بوده‌ام که علیرغم عدم تغییر رسمی پایتخت، عملاً تمام نهادهای مهم حکومتی به منطقه‌ای خارج از کلمبو - پایتخت - منتقل شده است.

در کشوری مانند آلمان نیز به دلیل رخداد جنگ جهانی دوم و شکست این کشور در جنگ و ایجاد کشورهای آلمان شرقی و غربی و به وجود آمدن دو پایتخت در برلین شرقی و بن به ترتیب برای آلمان دموکراتیک و فدرال و سپس وحدت مجدد آلمان و انتقال مجدد پایتخت به شهر یکپارچه برلین، تجربیات بسیار مفیدی در این مورد به صورت مدون وجود دارد. جالب است که این جا به جا شدن پایتخت در کشور آلمان در طی حدود پنجاه سال رخ داده، و با برنامه‌ریزی، کوشش، نظم و جدیتی که در آلمان‌ها سراغ داریم، هرگز موجب ایجاد بحران در این کشور نشده است. در آمریکای جنوبی نیز در کشور برزیل، با ایجاد شهری جدیدی به نام برازیلیا در مرکز این کشور، تجربیات بسیار جالبی در این مورد وجود دارد، که به باور نگارنده می‌تواند در ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در این حال به مرور، مدون کردن و لحاظ کردن تجربیات همسایگانمان - پاکستان و ترکیه - می‌توان به مسائل، هزینه‌ها و دستاوردهای چنین تجربه‌ای در کشوری نظیر کشور خود دست بیابیم و آن را در کشور به کار بریم، ضمناً از یاد نبریم که در کشور کوچک جنوبی خلیج فارس (امارات

متحده عربی) با ایجاد مراکز گوناگون سیاسی، تجاری، توریستی و... در امارت‌های مختلف کشور، به ویژه باتوسعه چشم‌گیر بندر دومی به تدریج در بیست سال گذشته و با برنامه بسیار جالبی که برای توسعه این بندر تا سال ۲۰۲۵ وجود دارد، می‌توان به ارزش افزوده‌های بسیار در عرصه اقتصاد ملی و بین‌المللی دست یافت. (نوذپور، ۱۳۸۶)

تجارب عملی انتقال پایتخت در کشورهای برزیل، پاکستان و آلمان و مباحث نظری مطروحه در ایران در قرن حاضر همگی شاهد این مدعاست که انتقال هیچ یک از پایتخت‌های کشورهای مذکور به دلایل نظامی نبوده است.

مطالعات اولیه ایران در این زمینه در سال ۱۳۶۸ با عنوان «بررسی مقدماتی انتقال مرکز اداری - سیاسی کشور» انجام شده است. در مطالعه فوق‌الذکر، چهار گزینه برای محل پایتخت جدید مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱) داخل محدوده کلانشهری تهران
- ۲) داخل منطقه شهری سایر شهرهای میلیونی کشور
- ۳) خارج از منطقه کلانشهری تهران اما در شعاع ۲۰۰ کیلومتری آن
- ۴) خارج از شعاع ۲۰۰ کیلومتری تهران

که با توجه به اهداف مطالعه، گزینه چهارم انتخاب گردید. زمان انتقال پایتخت بین ۱۵ تا ۲۵ سال برآورد شد و میزان جمعیت آن در پایان دوره برنامه‌ریزی با سه فرض در زمینه تعداد مشاغل انتقالی، ۱۷، ۶، ۱۷۰ و ۱۰۹۵ هزار نفر برآورد شده است.

یکی از معتقدان انتقال پایتخت، پیش از این سه پیش نیاز اساسی برای تحقق این جابه‌جایی تاریخی مطرح کرده بود که عبارت بودند از: جمع‌بندی کمیته کارشناسی درباره ضرورت انتقال پایتخت، تعیین منطقه‌ای برای احداث پایتخت جدید و کوچک‌سازی دولت.

| شهر | فاصله (کیلومتر) از تهران |
|--------|--------------------------|
| ساری | ۱۵۰ |
| قزوین | ۱۵۰ |
| اراک | ۲۸۸ |
| قم | ۱۳۵ |
| سمنان | ۲۸۸ |
| بابل | ۲۱۱ |
| پرنده | ۳۵ |
| هشتگرد | ۵۰ |
| پردیس | ۴۰ |

اما به نظر می‌رسد برای انتقال پایتخت باید ابعاد بیشتری از موضوع را در نظر گرفت. حالا با مشخص شدن حدود فاصله جغرافیایی پایتخت جدید، ۶ شهر به عنوان گزینه‌های دولت مطرح است. اراک، قزوین، قم، سمنان، ساری و بابل شهرهایی هستند که در فاصله حدود ۲۵۰ کیلومتری از تهران قرار دارند. اگرچه شهرهای جدید اطراف تهران همچون پرنده،

هشتگرد و پردیس را به این جمع باید اضافه کرد؛ چراکه این سه شهر جدید در کمتر از ۵۰ کیلومتر فاصله با پایتخت فعلی جای گرفته‌اند. به گفته یکی از مسئولین، طبق برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، جمعیت پایتخت جدید، حتی تا ۵۰ سال آینده نباید از ۲۵۰ هزار نفر تجاوز کند. زیرا هر شهری که بیش از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت داشته باشد، یارانه و هزینه‌های اداری آن شهر به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد و اگر بخواهیم مشکل اقتصادی کشور را به صورت ریشه‌ای حل کنیم نیازمند این هستیم که از ایجاد شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر جلوگیری کنیم.

عوامل مؤثر در انتخاب پایتخت جدید

زیر ساخت‌ها: جاده، راه آهن، فرودگاه، مخابرات و...
انرژی: آب، برق، گاز
مستعد نبودن برای آلودگی هوا
هزینه پایین برای انتقال از تهران
فراهم بودن زمینه برای رشد فیزیکی (عمودی و افقی) شهر مدرن

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نقش پایتخت کشور و شهرسازی نوین و مدرن در ایران برای توسعه کشور، ایمن‌سازی تهران، کمتر کردن ریسک رخداد زلزله برای مدیریت کلان کشور و ایجاد نمادی از تمدن ایرانی در قرن آینده و جذب گردشگر و نشان دادن جنبه‌های مثبت مدیریت راهبردی، کلان و آینده‌نگر برای کشور بسیار مهم است و تمام برآوردهای - SWOT هزینه، فایده، سود و زیان - نشان از فایده بخش بودن و ارزشمند بودن تلاش کردن و هزینه کردن در این راه است.

با ملاحظات گوناگون جاهای گوناگونی از ایران کمتر از خطرهای طبیعی نظیر زلزله و سیل هستند و منابع طبیعی قابل استفاده صحیح بیشتر در دسترس است. پس می‌توان ناحیه‌ای را که از نظر دسترسی، آب و هوا، آب زیرزمینی، امنیت و آسایش برای نسلهای بعدی مناسب باشد انتخاب نمود و براساس لحاظ کردن موارد گوناگون به عنوان شاخصهای توسعه انسانی و معیارهای توسعه پایدار، شهری برای پایتختی ایران قرن بیست و یکم طراحی کرد و ساخت. این شهر جدید باید مرکز اداری و حکومتی و همچنین مرکز علم و فناوری‌های پیشرفته و شایسته مرکزیت برای غرب آسیا در آینده باشد. مدیران و برنامه‌ریزان کارآمد باید به کار آیند تا با شهرسازی مدرن، در نظر گرفتن معیارهای طراحی سنتی و نمادهای ملی و مذهبی ایران و آینده‌نگری از نظر ایجاد زیر ساخت، هم‌زمان با احداث شهر، نظیر مترو و فرودگاه مدرن و پیشرفته، شهری قابل سکونت و شایسته نام ایران ایجاد نمایند.

در این میان باید توجه داشته باشیم که ساهاست که پایتختی به علت «مسائل امنیتی» منتقل نشده است، بلکه این «مسائل اقتصادی» هستند که زمینه انتقالی پایتخت را فراهم می‌کنند. بخصوص در کشورهای در حال توسعه پایتخت‌ها به علت تمرکز امکانات و نهادهای عمومی خدمات

رسانی به مردم، دچار چالش‌های جدی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. پس نباید به شهرهای بزرگ اجازه بزرگتر شدن بدهیم و شاید بتوان بخشی از آن را نیز با مهاجرت‌های معکوس رفع کرد. هزینه‌های بالاسری شهر تهران به مراتب بیشتر از هزینه‌های سرانه‌ای است و به همین دلیل نیز دولت مجبور است یارانه‌های زیادتری را به تهران بدهد.

اگر بتوانیم پایتخت را که مرکز اداری و سیاسی کشور است منتقل کنیم بخش اعظمی از این هزینه‌ها را می‌توانیم کنترل کنیم و کاهش دهیم. هزینه انتقال پایتخت به مراتب کمتر از هزینه‌هایی است که هر سال در حال پرداخت شدن است. تأکید بر این نیست که پایتخت به یکی از شهرهای موجود برود بلکه باید به سمتی برویم که پایتخت جدیدی را تقویت کنیم و مرکز اداری و سیاسی جدیدی داشته باشیم. بحث انتقال پایتخت بیشتر به تمرکززدایی توجه دارد؛ به این صورت که برخی فعالیت‌های اداری به نقطه دیگری منتقل شود و بخشی از جمعیت که به این موضوع وابسته هستند، مستقل شوند ولی به نظر می‌رسد که در عمل، تمرکززدایی صورت نگیرد. با انتقال پایتخت، تهران دیگر تیر اول روزنامه‌های کشور نخواهد بود و از اهمیت اتفاقات و رویدادهای آن کاسته و فشار روانی پایتخت بودن از دوش تهران برداشته می‌شود. در این صورت تهران کارکرد سابق را نخواهد داشت، چرا که با یک اتفاق مهم به نام انتقال پایتخت روبه رو شده و مرکزیت سیاسی خود را از دست داده است. این اتفاق به نوعی کاهش نقش کشوری و بین‌المللی تهران را در بر خواهد داشت. این که حساسیت‌های تهران در صورت انتقال پایتخت کاهش یابد، امری طبیعی است ولی مسئله مهم اینجاست که از مسائل و پیچیدگی‌های اقتصادی تهران نمی‌کاهد، چرا که جمعیت زیادی در تهران شاغل شده، ساختمان‌های بزرگی ساخته شده و بازیر ساخت‌های اقتصادی محکم و تثبیت شده‌ای رو به رو است. ولی آنچه مسلم است این که اگر فقط به دنبال انتقال مرکز سیاسی کشور به نقطه دیگری باشیم (که به نظر می‌رسد همین گونه باشد)، قطعاً مرکزیت اقتصادی جدیدی در کشور به وجود نخواهد آمد و دولت نیز قطعاً به دنبال گزینه‌هایی همچون شهرهای بزرگ و یا کلان شهرها نمی‌رود، چرا که در غیر این صورت ۲ تهران شلوغ و مسئله‌دار در ایران خواهیم داشت.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- زارع، گلنار. تهران؛ پایتخت دو بیست ساله. تهران: یساولی، ۱۳۸۴.
- ۲- غما می، مجید. مجموعه شهری تهران: گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.
- ۳- فسر شبا ف ابریشمی، محمدرضا. پایتخت‌های ایران از آغاز تا کنون. تهران: ابریشمی فر، ۱۳۸۶.
- ۴- کیانی، محمد یوسف. پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۵- میرفتاح، منصوره. زرتشت؛ چهره تابناک ایران باستان. تهران: محمد، ۱۳۸۶.

ب) مقالات در نشریات:

- ۶- اشرفیان، محمد مهدی. انتقال پایتخت؛ جفا به مردم تهران. مردم سالاری، (۲۳ دی ۱۳۸۲): ص ۹.
- ۷- امکچی، حمیده. انتقال پایتخت از بن به برلین. آبادی، سال ۳، ش ۹، (تابستان ۱۳۷۲): ص ۳۱-۴۰.
- ۸- امین، سعیده. پایتخت کجا می‌رود؟. همشهری (۲۸ دی ۱۳۸۲): ص ۱۲.
- ۹- جلالی، علی اکبر. پایتخت مجازی در انتقال پایتخت از تهران. روزنامه ایران، (۱۴ بهمن ۱۳۸۲): ص ۹.
- ۱۰- رادینا، رامین. تهران پایتخت می‌ماند؟. شرق، (۱۴ شهریور ۱۳۸۴): ص ۱.
- ۱۱- شهبازی، داریوش. تهران چگونه پایتخت شد؟. اعتماد ملی، (۲۸ فروردین ۱۳۸۵): ص ۹.
- ۱۲- کمالی، منصور. تجربه موفق‌تری از انتقال پایتخت. روزنامه همبستگی (۱۱ تیر ۱۳۸۳): ص ۳.
- ۱۳- لطیفی، غلامرضا. تهران با انتقال پایتخت، همان تهران خواهد ماند. روزنامه ایران (۱۲ اسفند ۱۳۸۶): ص ۶.
- ۱۴- نوذر پور، علی. انتقال پایتخت، تهران رانجات نمی‌دهد. روزنامه ایران (۱۳ بهمن ۱۳۸۶): ص ۶.

پ) سایت‌ها:

جامعه مهندسان شهر ساز ایران

دکتر مهدی زارع

<http://www.shahrsazi-mhud.ir>

<http://www.mehdzare.blogspot.com>